

نامهٔ یعقوب

در این نامه، یعقوب که برادر عیسی مسیح و اسقف کلیسای اورشلیم بود، به کسانی که مسیحی شده بودند می‌نویسد که کافی نیست کسی ادعا کند به خدا ایمان دارد و مسیحی است، بلکه باید با رفتارش این را ثابت کند. رفتار مسیحی آن است که متکی بر دستورات خدا باشد، و مسیحی کسی است که هر چه خدا فرموده است انجام دهد.

نظر خدا بزرگ و سر بلند هستند. ^{۱۰} مسیحیان ثروتمند نیز نباید خود را بزرگ بدانند، بلکه باید شاد باشند که ثروت این دنیا، گنج واقعی آنان نیست، زیرا ثروت این دنیا مانند گلی است که بعد از مدتی، در اثر تابش آفتاب سوزان، زیبایی خود را از دست می‌دهد و پژمرده می‌شود. بلی، شخص ثروتمند نیز چنین است؛ پس از اندک زمانی می‌میرد و هر آنچه انجام داده، بی‌ثمر می‌ماند.

و سوسه از جانب خدا نمی‌آید

^{۱۱} خوشبحال کسی که آزمایشهای سخت زندگی را متحمل می‌شود، زیرا وقتی از این آزمایشها سر بلند بیرون آمد، خداوند تاج حیات را به او عطا خواهد فرمود، تاجی که به تمام دستداران خود وعده داده است.

^{۱۳} وقتی کسی وسوسه شده، بسوی گناهی کشیده می‌شود، فکر نکند که خدا او را وسوسه می‌کند، زیرا خدا از گناه و بدی بدور است و کسی را نیز به انجام آن، وسوسه و ترغیب نمی‌کند. ^{۱۴} وسوسه یعنی اینکه انسان فریفته و مجذوب افکار و امیال ناپاک خود شود. ^{۱۵} این افکار و امیال ناپاک، او را به انجام کارهای گناه‌آلود می‌کشاند؛ و این کارها نیز منجر به مرگ می‌گردند، که همانا مجازات الهی است. ^{۱۶} پس ای برادران عزیز، در این مورد اشتباه نکنید. ^{۱۷} از جانب خدا فقط مواهب نیکو و کامل به ما می‌رسد، زیرا او آفرینندهٔ همهٔ روشنایی‌هاست و خدایی است تغییرناپذیر. ^{۱۸} او چنین اراده فرمود که ما را بوسیلهٔ پیام انجیل، زندگی تازه ببخشد تا ما نخستین فرزندان

یعقوب، خدمتگزار خدا و عیسی مسیح خداوند، به مسیحیان یهودی‌نژاد که در سراسر جهان پراکنده‌اند، سلام و درود می‌فرستد.

شادی در سختی‌ها

^۲ برادران عزیز، وقتی مشکلات و آزمایشهای سخت از هر سو بر شما هجوم می‌آورند، بسیار شاد باشید، ^۳ زیرا در آزمایش و سختی‌هاست که صبر و تحملتان بیشتر می‌شود. ^۴ پس بگذارید صبرتان فزونی یابد و نکوشید از زیر بار مشکلات شانه خالی کنید، زیرا وقتی صبرتان به حد کمال رسید، افرادی کامل و بالغ خواهید شد و به هیچ چیز نیاز نخواهید داشت. ^۵ اما اگر کسی از شما طالب حکمت و فهم برای درک اراده و خواست خداست، باید دعا کند و آن را از خدا بخواهد؛ زیرا خدا خرد و حکمت را به هر که از او درخواست کند، سخاوتمندانه عطا می‌فرماید بدون اینکه او را سرزنش نماید. ^۶ اما وقتی از او درخواست می‌کنید، شک به خود راه ندهید، بلکه یقین داشته باشید که خدا جواب دعایتان را خواهد داد؛ زیرا کسی که شک می‌کند، مانند موجی است در دریا که در اثر وزش باد به اینسو و آنسو رانده می‌شود. ^۷ چنین شخصی، هرگز نمی‌تواند تصمیم قاطعی بگیرد. پس اگر با ایمان دعا نکنید، انتظار پاسخ نیز از خدا نداشته باشید.

فقر و ثروت

^۹ مسیحیانی که از مال این دنیایی بهره هستند، نباید خود را حقیر پندارند، بلکه باید شاد باشند زیرا در

وارد شود؛^۳ و شما به آن ثروتمند توجه بیشتری نشان دهید و بهترین جا را به او تعارف کنید، اما به آن فقیر بگویید: «برو آنجا بایست یا اگر می خواهی، روی زمین بنشین!»^۴ آیا این نشان نمی دهد که شما ارزش اشخاص را از روی دار و ندارشان می سنجید؟ بنابراین انگیزه هایتان نادرست هستند.

^۵ برادران عزیز، به من گوش دهید: خدا مردم فقیر را برگزیده تا در ایمان ثروتمند باشند و از برکات ملکوت خدا برخوردار گردند، ملکوتی که خدا به دوستداران خود وعده داده است.^۶ با اینحال، شما فقیر را حقیر می شمارید. آیا فراموش کرده اید که همین ثروتمندان هستند که حقتان را پایمال می کنند و بعد شما را به دادگاه نیز می کشانند؟^۷ اغلب همین افراد هستند که عیسی مسیح را مسخره می کنند، یعنی همان کسی را که نام شریفش بر شما قرار دارد.

^۸ چقدر خوب می شد همواره این حکم خداوندان را اطاعت می کردید که می فرماید: «همسایه خود را دوست بدار، به همان اندازه که خود را دوست می داری.»^۹ اما وقتی از ثروتمندان طرفداری می کنید، این حکم خداوندان را زیر پا می گذارید و به این ترتیب، مرتکب گناه می شوید.^{۱۰} کسی که همه احکام خدا را موبمو اجرا کند، ولی در یک امر کوچک مرتکب اشتباه شود، به اندازه کسی مقصر است که همه احکام خدا را زیر پا گذاشته است.^{۱۱} زیرا همان خدایی که گفت: «زنا نکنید»، این را نیز گفت که «قتل نکنید». پس اگر زنا نکنید، اما مرتکب قتل شوید، بهر حال از حکم خدا سرپیچی کرده اید و در برابر او مقصر می باشید.

^{۱۲} خدا شما را روزی داوری خواهد فرمود تا مشخص شود آیا به خواست مسیح عمل کرده اید یا نه. پس مواظب اعمال و افکار خود باشید؛^{۱۳} زیرا بر کسی که در این دنیا رحم نکرده است، رحم نخواهد شد؛ اما اگر نسبت به مردم، رحیم بوده باشید، آنگاه رحمت الهی بر داوری او چیره خواهد شد.

رابطه میان ایمان و عمل

^{۱۴} برادران عزیز، چه فایده ای دارد که بگویید «من

عمل کردن به کلام خدا

^{۱۵} برادران عزیز، به این نکته توجه کنید: بیشتر گوش بدهید، کمتر سخن بگویید، و زود خشمگین نشوید.^{۱۶} زیرا خشم نمی گذارد آنطور که خدا می خواهد، خوب و درستکار باشیم.

^{۱۷} بنابراین، هر نوع ناپاکی و عادت زشت را که هنوز در وجودتان باقی است، از خود دور کنید؛ و با فروتنی کلام خدا را که در دلتان کاشته شده است، بپذیرید، زیرا این کلام قدرت دارد جانهای شما را نجات بخشد.^{۱۸} اما فراموش نکنید که این کلام را نه فقط باید شنید، بلکه باید به آن عمل کرد. پس خود را فریب ندهید،^{۱۹} زیرا کسی که کلام را فقط می شنود ولی به آن عمل نمی کند، مانند شخصی است که صورت خود را در آینه نگاه می کند؛^{۲۰} اما به محض این که از مقابل آینه دور می شود، قیافه خود را فراموش می کند.^{۲۱} اما کسی که به کلام خدا که قانون کامل آزادی بشر است، توجه داشته باشد، نه تنها آن را همیشه بخاطرخواهد داشت، بلکه به دستوراتش نیز عمل خواهد کرد، و خدا عمل او را برکت خواهد داد.^{۲۲} هر که خود را مسیحی می داند، اما نمی تواند بر زبان تند خود مسلط باشد، خود را گول می زند و مذهب او پیشوی ارزش ندارد.^{۲۳} در نظر خدای پدر، مسیحی پاک و بی عیب کسی است که به کمک یتیمان و بیوه زنان می شتابد، و نسبت به خداوند وفادار می ماند و خود را از آلودگیهای دنیا دور نگاه می دارد.

دوری از تبعیض

^{۲۴} برادران عزیز، چگونه می توانید ادعا کنید که از آن عیسی مسیح، خداوند پرجلال هستید، درحالی که از ثروتمندان طرفداری می کنید و فقرا را پست می شمارید؟

^{۲۵} فرض کنید شخصی به کلیسای شما بیاید که لباس گرانبها بر تن و انگشترهای طلایی بر انگشتانش دارد؛ و در همان لحظه، شخصی فقیر با لباس های کثیف نیز

دیگر به سلامت روانه نمود. ^{۲۶} خلاصه، همانطور که بدن بدون روح، مرده است، ایمانی هم که اعمال نیک به بار نیاورد، مرده است.

خطرات زبان

برادران عزیز، سعی نکنید اشتباهات دیگران را فوری به ایشان گوشزد کنید، زیرا همه ما دچار اشتباه می‌شویم؛ و ما معلمین دینی که احکام خدا را می‌دانیم، اگر مرتکب اشتباه گردیم، شدیدتر از دیگران مجازات خواهیم شد.

اگر کسی بتواند بر زبان خود مسلط شود، قادر خواهد بود در سایر موارد نیز بر خود مسلط باشد. ^{۲۷} اسبی بزرگ را با دهنه‌ای کوچک مطیع خود می‌سازیم و او را به هر جا که بخواهیم می‌بریم. ^{۲۸} یک سُکّان کوچک، کشتی بزرگ را به هر سو که خواست ناخدا باشد، هدایت می‌کند حتی اگر بادی شدید بوزد.

^{۲۹} زبان نیز در بدن، عضوی کوچک است، ولی چه خسارات سنگینی می‌تواند به بار آورد. یک جنگل عظیم را می‌توان با یک جرعه کوچک به آتش کشید. ^{۳۰} زبان همچون زبانه آتش است؛ لبریز از شرارت می‌باشد و تمام بدن را زهرآلود می‌کند؛ آتشی است که از جهنم می‌آید و می‌تواند تمام زندگی را به نابودی بکشد.

^{۳۱} انسان توانسته است هرگونه حیوان وحشی، پرنده، خزنده و جاندار دریایی را رام کند، و بعد از این نیز رام خواهد کرد. ^{۳۲} اما هیچ انسانی نمی‌تواند زبان را رام کند. زبان همچون مار سمی، همیشه آماده است تا زهر کشنده خود را بیرون بریزد. ^{۳۳} با آن، لحظه‌ای پدر آسمانی‌مان خدا را شکر می‌کنیم و لحظه‌ای دیگر مردم را که شیبه خدا آفریده شده‌اند، نفرین می‌کنی. از دهانمان هم برکت جاری می‌شود، هم لعنت. برادران عزیز، نباید چنین باشد. ^{۳۴} آیا امکان دارد از یک چشمه، ابتدا آب شیرین بجوشد و بعد آب شور؟ ^{۳۵} آیا می‌توان از درخت انجیر، زیتون چید؟ یا از تاک، می‌توان انجیر چید؟ نه! به همین ترتیب، از چاه شور، نمی‌توان آب شیرین و گوارا

ایمان دارم و مسیحی هستم، اما این ایمان را از طریق کمک و خدمت به دیگران نشان ندهید؟ آیا این نوع ایمان می‌تواند باعث رستگاری شود؟ ^{۳۶} اگر دوستی داشته باشید که محتاج خوراک و پوشاک باشد، ^{۳۷} و به او بگویید: «برو سلامت! خوب بخور و خودت را گرم نگاهدار»، اما خوراک و پوشاک به او ندهید، چه فایده‌ای دارد؟ ^{۳۸} پس ملاحظه می‌کنید ایمانی که منجر به اعمال خیر نگردد، و با کارهای نیک همراه نباشد، اصلاً ایمان نیست، بلکه یک ادعای پوچ و توخالی است.

^{۳۹} این ایراد، بجا خواهد بود اگر کسی بگوید: «شما می‌گویید که راه رسیدن به خدا، فقط ایمان است و بس! اما من می‌گویم که اعمال نیک نیز مهم است. زیرا شما بدون اعمال نیک نمی‌توانید ثابت کنید که ایمان دارید. اما همه می‌توانند از روی اعمال و رفتار من، ببینند که من ایمان دارم.»

^{۴۰} ممکن است کسی به خود بیالذ و بگوید: «من ایمان دارم که خدا یکی است!» چنین شخصی باید بخاطر داشته باشد که دیوها نیز به این ایمان دارند، چنان ایمانی که از ترس به خود می‌لرزند! ^{۴۱} ای نادان! آیا نمی‌خواهی درک کنی که ایمان بدون انجام اراده خدا، بی‌فایده و بی‌ثمر است؟ بلی، ایمانی که اعمال خیر به بار نیاورد، ایمان واقعی نیست.

^{۴۲} مگر به یاد ندارید که جلدمان ابراهیم نیز بسبب اعمال خود در نظر خدا عزّت یافت؟ چون او حاضر شد پسر خود اسحاق را برای خدا قربانی کند. ^{۴۳} پس می‌بینید که ایمان او به خدا باعث شد که او از خدا کاملاً اطاعت کند؛ درواقع، ایمان او با اعمال و رفتارش کامل گردید. ^{۴۴} از اینرو، نتیجه همان شد که کتاب آسمانی می‌فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و مقبول او واقع گردید، و حتی «دوست خدا» نامیده شد.»

^{۴۵} پس می‌بینید که انسان علاوه بر ایمان، بوسیله اعمال خود نیز رستگار می‌گردد.

^{۴۶} «راحاب» فاحشه نیز نمونه دیگری است برای این موضوع. او در اثر اعمال خود رستگار شد، زیرا مأموران قوم خدا را پناه داد و بعد، ایشان را از راه

دشمنان شوهرشان عشق می‌ورزند. آیا متوجه نیستید که اگر با دشمنان خدا، یعنی لذت‌های ناپاک این دنیا دوستی نمایید، درواقع با خدا دشمنی می‌کنید؟ پس هر که می‌خواهد از خوشی‌های ناپاک این دنیا لذت بجوید، دیگر نمی‌تواند دوست خدا باشد. ^۵ تصور می‌کنید که کتاب آسمانی بیهوده می‌گوید که روح خدا که خداوند او را در وجود ما ساکن کرده است، آنقدر به ما علاقه دارد که نمی‌تواند تحمل کند که دل ما جای دیگری باشد؟ ^۶ اما نباید فراموش کرد که خدا قدرت لازم برای ایستادگی در مقابل این خواسته‌های گناه‌آلود را به ما عطا می‌فرماید. از اینرو، کتاب آسمانی می‌فرماید: «خدا به شخص فروتن قوت می‌بخشد، اما با شخص متکبر و مغرور مخالفت می‌کند.»

^۷ بنابراین، خود را با فروتنی به خدا بسپارید، و در برابر شیطان ایستادگی کنید تا از شما دور شود. ^۸ به خدا نزدیک شوید، تا او نیز به شما نزدیک شود. ای گناهکاران، دستهای گناه‌آلود خود را بشوید و دل خود را فقط با عشق الهی لبریز سازید تا پاک گردد و نسبت به خدا وفادار بماند. ^۹ برای اعمال اشتباه خود، اشک بریزید و ماتم کنید، و در عمق وجودتان غمگین و ناراحت باشید؛ به جای خنده، گریه کنید، و به جای شادی، سوگواری نمایید. ^{۱۰} زمانی که به ناچیزی و کوچکی خود در مقابل خدا پی بردید، آنگاه خدا شما را سرفراز و سربلند خواهد ساخت.

داوری از آن خداست

^{۱۱} برادران عزیز، از هم خرده نگیرید و غیبت نکنید، چون به این ترتیب از حکم خدا اطاعت می‌کنید، حکمی که می‌فرماید یکدیگر را دوست بدارید؛ اما اگر چنین نکنید، نشان می‌دهد که این حکم اشتباه است. اما وظیفه شما قضاوت دربارهٔ احکام خدا نیست، بلکه اطاعت از آن. ^{۱۲} فقط آن کسی که این احکام را وضع کرد، قادر است به درستی در میان ما داوری کند. تنها اوست که می‌تواند ما را نجات دهد یا هلاک کند. پس شما چه حق دارید که دربارهٔ دیگران داوری کنید و از ایشان خرده بگیرید؟

خرد آسمانی

^{۱۳} اگر خود را خردمند و حکیم می‌دانید، باید همواره مهربان و نیکوکار باشید؛ و اگر بسبب داشتن اینگونه اعمال به خود نبالید، آنگاه برآستی خردمند می‌باشید. ^{۱۴} اما اگر در زندگی‌تان کینه و حسادت و خودخواهی وجود دارد، بیهوده سنگ عقل و خرد را به سینه‌نزنید، که این بدترین نوع دروغ می‌باشد؛ ^{۱۵} زیرا در آن خرد و حکمتی که خدا می‌بخشد، اینگونه صفات ناپسند وجود ندارد، بلکه اینها دنیوی، غیرروحانی و شیطانی هستند. ^{۱۶} درواقع، هر جا که حسادت و جاه‌طلبی وجود دارد، هرج و مرج و هرگونه شرارت دیگر نیز بچشم می‌خورد.

^{۱۷} اما خرد و حکمتی که از آسمان می‌باشد، در وهلهٔ اول پاک و نجیب است، و بعد صلح‌جو و مؤدب و ملایم؛ حاضر به گفتگو با دیگران و پذیرش نظرات ایشان است؛ لبریز از دلسوزی و اعمال نیک بوده، صمیمی و بی‌ریا و بی‌پرده می‌باشد. ^{۱۸} آنانی که صلح‌جو هستند، بذر صلح می‌کارند و نیکی و خیر درو می‌کنند.

نتیجهٔ آرزوهای ناپاک این دنیا

۴ علت جنگ و دعوای شما چیست؟ آیا علت آنها، آرزوهای ناپاکی نیست که در وجود شما منزل دارند؟ ^۲ در حسرت چیزی بسر می‌برید که ندارید؛ پس دستتان را به خون آلوده می‌کنید تا آن را به چنگ آورید. در آرزوهای چیزهایی هستید که متعلق به دیگران است، و شما نمی‌توانید داشته باشید؛ پس به جنگ و دعوا می‌پردازید تا از چنگشان بیرون بکشید. علت اینکه آنچه می‌خواهید ندارید، اینست که آن را از خدا درخواست نمی‌کنید. ^۳ وقتی هم درخواست می‌کنید، خدا به دعایتان جواب نمی‌دهد، زیرا هدفشان نادرست است؛ شما فقط در پی بدست آوردن چیزهایی هستید که باعث خوشی و لذتتان می‌شود.

^۴ شما همچون همسران بی‌وفایی هستید که به

باشید و مانند کشاورزی باشید که تا پاییز برای برداشت محصول پرارزش خود صبر می‌کند.^۸ پس شما نیز صبر داشته باشید و یقین بدانید که خداوند بزودی باز خواهد گشت.^۹ ای برادران، وقتی در مشکلات گرفتار می‌شوید، دیگران را مقصر ندانید و از ایشان شکایت نکنید تا خداوند نیز شما را محکوم نکند؛ زیرا او بزودی داوری عادلانه خود را آغاز خواهد کرد.

^{۱۰} صبر و بردباری را از انبیای خداوند بیاموزید.
^{۱۱} همه آنانی که در زندگی صبر و تحمل داشتند، خوشبخت شدند. «ایوب» یک نمونه از افرادی است که با وجود مشکلات و مصائب فراوان، صبر و ایمان خود را از دست نداد و خدا نیز در آخر او را کامیاب ساخت، زیرا او بسیار رحیم و مهربان است.

قسم نخورید

^{۱۲} مهم‌تر از همه، هیچگاه قسم نخورید، نه به آسمان و زمین و نه به هیچ چیز دیگر. اگر می‌گویید «بلی»، سخنتان واقعاً بلی باشد، و اگر می‌گویید «نه»، منظورتان واقعاً نه باشد، تا به این ترتیب گناهی از شما سر نزنند و مجازت نشود.

قدرت دعا

^{۱۳} اگر در میان شما کسی گرفتار درد و رنج باشد، باید دعا کند. آنانی که دلیلی برای شکرگزاری دارند، باید برای خداوند سرودهای شکرگزاری بخوانند.

^{۱۴} اگر کسی بیمار باشد، باید از کشیشان کلیسا بخواهد که بیایند و برایش دعا کنند و بر پیشانی‌اش روغن بمالند و از خداوند برای او طلب شفا نمایند.
^{۱۵} اگر دعای ایشان با ایمان همراه باشد، بیمار شفا خواهد یافت؛ زیرا خداوند او را شفا خواهد بخشید، و اگر بیماری او در اثر گناه بوده باشد، گناه او را نیز خواهد آمرزید.

^{۱۶} نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف نمایید و برای هم دعا کنید تا شفا یابید. دعای صادقانه مرد درستکار، قدرت و تأثیر شگفت‌انگیز دارد.
^{۱۷} «الیاس» انسانی بود همچون ما. با اینحال، هنگامی

انسان نمی‌داند فردا چه می‌شود

^{۱۳} گوش کنید ای تمام کسانی که می‌گویید: «امروز یا فردا به فلان شهر خواهیم رفت و یک سال در آنجا مانده، تجارت خواهیم کرد و سود کلتای خواهیم برد.»^{۱۲} شما چه می‌دانید فردا چه پیش خواهد آمد؟ عمر شما مانند مه صبحگاهی است که لحظه‌ای آن را می‌توان دید و لحظه‌ای بعد محو و ناپدید می‌شود!^{۱۵} پس، باید بگویید: «اگر خدا بخواهد، زنده خواهیم ماند و چنین و چنان خواهیم کرد.»^{۱۶} در غیراینصورت، شما مغرور و خودپسند هستید و به نقشه‌ها و برنامه‌های خود می‌بالید؛ و چنین شخصی هرگز نمی‌تواند خدا را خشنود سازد.
^{۱۷} پس، این را از یاد نبرید که اگر بدانید چه کاری درست است، اما آن را انجام ندهید، گناه کرده‌اید.

عاقبت کار ثروتمندان ظالم

و اینک، شما ای ثروتمندان، توجه کنید! گریه و زاری نمایید، زیرا بلاهای وحشتناکی در انتظار شماست.^۲ از هم اکنون، ثروتان تباہ شده، لباس‌های گرانبهایتان را نیز بید خورده است.^۳ شما در این دنیای زودگذر، طلا و نقره می‌اندوزید، غافل از اینکه با این کار، برای خود در روز قیامت مجازات ذخیره می‌کنید. زیرا همانگونه که طلا و نقره‌تان را زنگ خورده است، آتش نیز بدن شما را خواهد خورد.^۴ گوش فرا دهید! به ناله کارگرانی که برای شما کار کرده‌اند، گوش دهید؛ کارگرانی که فریشان دادید و مزدشان را نداده‌اید. ناله‌های ایشان تا به آسمان بالا رفته و به گوش خدای متعال رسیده است.

^۵ شما سالهای عمر خود را در این دنیا به خوشگذرانی و عیش و نوش گذراندید و مانند گوسفندان پرواری شده‌اید که برای روز ذبح آماده می‌باشند.^۶ شما مردم بی‌گناه را که قادر به دفاع از خود نبودند، محکوم کردید و کشتید.

صبر در زحمات

^۷ و اما شما ای برادران عزیز که برای بازگشت خداوند عیسی مسیح روز شماری می‌کنید، صبر داشته

که با تمام دل دعا کرد که باران نیارد، برای مدت سه سال و نیم باران نیارید! ^{۱۸} و زمانی هم که دعا کرد تا باران بیاید، بارش باران آغاز شد و زمین محصول آورد. ^{۱۹} برادران عزیز، اگر کسی از راه راست منحرف

شده و ایمان خود را از دست داده باشد، اما شخصی به او کمک کند تا بسوی حقیقت باز گردد، ^{۲۰} این شخص که باعث بازگشت او بسوی خدا شده، بداند که جان گمشده‌ای را از چنگال هلاکت ابدی نجات داده و موجب آمرزش گناهان زیاد او شده است.